

خرابات مغان

دکتر حسین وحیدی

□ در شماره‌ی ۲۲ ماهنامه‌ی حافظ در نوشتاری درباره‌ی پیر مغان، بنیاد و ریشه‌ی مغ و مغان روشن گردید. اینک دنباله‌ی جستار مغان و پیرمغان، جستار خرابات و خرابات مغان. بهتر است در آغاز سروده‌هایی از حافظ درباره‌ی خرابات آورده شود:

در خرابات طریقت نیز هم‌منزل شویم

کاین‌چنین رفته است در عهد ازل تقدیر ما

ترسم این قوم که بر دردکشان می‌خندند

در سر کار خرابات کنند ایمان را

در عشق خانقاه و خرابات فرق نیست

هر جا که هست پرتو روی حبیب هست

تا گبر غمت در دل ویرانه مقیم است

همواره مرا کنج خرابات مقام است

مقام اصلی ما گوشه‌ی خرابات است

خداش خیر دهد آن‌که این عمارت کرد

قدم منه به خرابات جز به شرط ادب

که ساکنان درش محرمان پادشهند

من ز مسجد به خرابات نه خود افتادم

اینم از روز ازل حاصل فرجام افتاد

خیز تا خرقه‌ی صوفی به خرابات بریم

شطح^۱ و طامات^۲ به بازار خرابات بریم

در خرابات مغان گر گذر افتد بازم

حاصل خرقه و سجاده روان در بازم

در خرابات مغان نور خدا می‌بینم

این عجب بین که چه نوری ز کجا می‌بینم

تو خانقاه و خرابات در میانه مبین

خدا گواست که هر جا که هست با اویم

آن‌کس که منع ما ز خرابات می‌کند

گو در حضور پیر من این ماجرا بگو

شست‌وشویی کن و آن‌گه به خرابات خرام

تا نگردد ز تو این دیر خراب آلوده

با خرابات‌نشینان ز کرامات ملاف

هر سخن وقتی و هر نکته مکانی دارد

یاد باد آن‌که خرابات‌نشین بودم و مست

آن‌چه در مسجد امروز کم است آن‌جا بود

اینک این جستار به‌میان می‌آید که در سروده‌های حافظ خرابات و خرابات مغان کجاست و آیا همان‌گونه که در سروده‌های حافظ مغ و پیر مغان ریشه در فرهنگ باستانی ایران دارد. خرابات و خرابات مغان نیز همین‌گونه است؟ که پاسخ پرسش، آری است. خرابات و خرابات مغان ریشه در فرهنگ باستانی ایران و ریشه در «آیین‌مهر» دارد. آیین برخاسته از فرهنگ ایران باستان و برماند آن روزگار، آیینی که حافظ درباره‌ی آن می‌سراید

بر دلم گرد ستم‌هاست خدایا مپسند
که مکدر شود آئینه‌ی مهر آیینم
ز دوستان تو آموخت در طریقت مهر
سپیده‌دم که صبا چاک‌زد شعار سیاه

آیین مهر

یکی از پایه‌های فرهنگ ایران، آیین مهر است. آیینی برخاسته از اندیشه‌های مهر، مهر تاریخی که در سال ۲۷۲ پیش از میلاد از مادرش ناهید در دامغان امروز زاده شد و بر پایه‌ی کیش زرتشتی آیین مهر را پی‌ریخت که آیین ایرانیان در دوره‌ی اشکانیان بوده و یکی از پایه‌های عرفان ایران است. در این باره دانشمند بزرگ و استاد گرانمایه و ارجمند زنده‌یاد دکتر محمد مقدم در دفتر بسیار ارزشمند **جستار درباره‌ی مهر و ناهید** چنین می‌نویسد:

مهر سوشیانس

در سال پنجاه و یکم شاهنشاهی اشکانی، نیمه‌شب میان شنبه بیست و چهارم و یک‌شنبه بیست و پنجم دسامبر ۲۷۲ پیش از میلاد، مهر سوشیانس از مادرش ناهید در میان یک تیره سکائی ایرانی در شرق ایران زاییده شد. از سده‌ی سوم و چهارم پس از میلاد که دین عیسوی در غرب آسیا و شمال افریقا و در اروپا رواج شد و دین «نو - زرتشتی» را ساسانیان در ایران شناختند، آن‌که دین عیسوی در همه‌چیز مینوی و مادی از دین مهر پیروی می‌کرد و دین زرتشتی ساسانی زیر نفوذ دین مهری اشکانی بود، امپراطوران روم پس از قسطنطین و کلیسا در غرب و شاهنشاهان ساسانی و موبدان زرتشتی در ایران دست به یکی کردند و همت بر آن گماشتند که نام مهر و دین او، یادمان‌های او از روزگار ناپدید شود. و آن‌چه را که نمی‌شد از میان برداشت به نام دیگری وانمود کنند. بدین‌سان همان‌گونه که روان‌شاد استاد دکتر محمد مقدم فرموده‌اند: آیین مهر برخاسته از اندیشه‌ها و آموزش‌های مهر تاریخی است و همین آیین است که آیین روزگار اشکانیان شده.

مهرابه - خورابه - خرابات

مهرابه پرستشگاه مهریان بوده است. مهرابه در کنار رودخانه ساخته می‌شده و مهریان پیش از رفتن به مهرابه در رودخانه شست‌وشو می‌کرده‌اند و سپس به مهرابه می‌رفته‌اند، آن‌چنان که حافظ درباره‌ی رفتن به خرابات گوید:

شست‌وشویی کن و آن‌گه به خرابات خرام

تا نگردد ز تو این دیر خراب آلوده
با بررسی واژه‌ی خرابات در سروده‌های حافظ و بررسی آیین مهر و مهرابه در این آیین می‌توان گفت خرابات وارونه‌ی آن‌چه در برخی از گزارش‌های حافظ آمده است که: «جمع خرابه برون‌شهر که جای فسق و فجور بوده است». در بن «خورابه»، «مهرابه» مهریان بوده است و باید خراب، خورآباد خوانده شود و چه همانندی هست میان مهرابه مهریان و آن‌چه حافظ

درباره‌ی خرابات سروده است.

رازی بزرگ - جشن شب یلدا - جشن زایش مهر در جستار مهر و مهربانه که گوشه‌ی بی از آن آورده شد به جستار دیگری درباره‌ی آیین مهر می‌رسیم و آن جشن شب یلداست. به راستی جشن شب یلدا چه گونه جشنی است و این همه تب و تاب ما ایرانیان برای برپاداشتن این جشن از چیست؟ آیا همان گونه که گفته و نوشته می‌شود جشن شب یلدا جشن زایش خورشید است؟ زایش خورشید چه گونه بوده و خورشید در چه زمانی زاده شده است؟

و ارونه‌ی آن چه نوشته می‌شود. جشن شب یلدا، جشن زایش خورشید نیست و جشن زایش مهر تاریخی است مهر بنیادگذار آیین مهر که در همین شب یلدا در سال ۲۷۲ پیش از میلاد زاده شده است. ما ایرانیان از دیرباز به هر گونه که بوده یادمان‌های گذشته و فرهنگ دیرین خود را نگاه داشته و گرامی می‌داشته‌ایم و امروز هم گرامی می‌داریم که یکی از آن‌ها همین زایش مهر و جشنی است که برای آن برپا می‌داریم. در جشن شب یلدا، جشن زایش مهر تاریخی نخستین چیزی که مردم می‌خرند و در جشن می‌نهند هندوانه و انار است و چرا هندوانه و انار؟ برای رنگ ارغوانی آن‌ها، رنگ ارغوانی سپیده دم، رنگ برآسینن (طلوع) خورشید، یادمان‌های بسیار دور، روزگار مهر و میترا می‌پیش از زرتشت، آیزد مهر که نزد ایرانیان آن زمان گرامی بود و همچنین نزد مهریان پیروان آیین مهر در روزگار اشکانی و تا مردم امروز ایران در شب یلدا، یادآور می‌شود که پسران مهری بالاپوش ارغوانی می‌پوشیده‌اند و با آن چه درباره‌ی «مهر و مسیحیت» خواهد آمد بالاپوش پاپ هم به رنگ ارغوانی است که همان رنگ ارغوانی مهریان است و یادآوری دیگر این که گسترش آیین مهر در روم باستان و در بیشتر کشورهای اروپایی دیرین و دیگر کشورها دین مهری روزگار اشکانیان است، نه مهرپرستی ایرانیان پیش از زرتشت.

راز بزرگ دیگر - مهر و مسیحا

یکی از رازهای بزرگ دیگر در فرهنگ ایران و جهان همبستگی میان آیین مهر و مسیحیت است. سرآغاز انجیل را بخوانیم:

«... عیسی در ایام زمامداری هیروودیس پادشاه در بیت‌الحم یهودیه تولد یافت. پس از او مجوسانی از مشرق زمین به اورشلیم آمده پرسیدند: «پادشاه نوزاد یهودیان کجاست؟ ما طلوع ستاره‌ی او را دیده و برای پرستش او آمده‌ایم...»

واژه‌ی «مجوس» در سرآغاز انجیل همان «مغ» اوستایی یعنی «مگ» است. نوشته‌ی انجیل در سرآغاز حبش دنبال می‌شود: «آن‌گاه هرودیس از مجوسان خواست به‌طور محرمانه با او ملاقات کنند و به این ترتیب از وقت دقیق ستاره آگاه شد. آنان بنا به فرمان پادشاه حرکت کردند و ستاره‌ی که طلوعش را دیده بودند پیشاپیش آنان می‌رفت تا در بالای مکانی که کودک در آن بود، توقف کردند و وقتی ستاره‌ی او را دیدند، بی‌نهایت خوشحال شدند. پس به آن خانه وارد شدند و کودک را با مادرش مریم و به روی درافتاده او را پرستش کردند.»

چنین است سرآغاز انجیل و آمدن مغ‌ها و همانندی بسیار آموزش‌های انجیل با آموزش‌های مهری که برای روش‌شدن مهر و مسیح نوشته‌ی استاد دکتر محمد مقدم آورده می‌شود. : اینک از مسعودی، **مروج الذهب و معادن الجوهر**، (ترجمه‌ی ابوالقاسم پاینده، تهران، ۱۳۴۴، جلد اول، صفحه‌ی ۲۲۹) «... اول پادشاه از ملوک الطوائف اشک پسر اردوان اشکان... پس از اشک شاپور پسر اشک بود به شصت سال پادشاهی کرد و در سال چهل و یکم حکومت او حضرت مسیح علیه السلام در ایللیای فلسطین ظهور کرد...»

(صفحه‌ی ۵۵۰)

«... تشرین دوم سی روز است و کانون اول سی روز است و در نوزدهم این ماه روز، نه ساعت و نیم که حداکثر کوتاهی روز است و شب چهارده ساعت و ربع می‌شد که حداکثر درازی شب است. شب بیست و پنجم این ماه میلاد مسیح علیه‌السلام است...»

مسیح

با در نظر گرفتن این که زایش مسیح نخستین را ۶۵ سال پس از ملک اسکندر و در زمان شاپور اشکانی و زایش مسیح دوم را در سده‌ی چهارم پس از اسکندر و در زمان اوگوستوس امپراطور روم داده‌اند جای شک نمی‌ماند که این دو مسیح را از یک‌دیگر بازمی‌شناختند و مسعودی در التنبیه و الاشراف صفحه‌ی ۱۱۴ و ۱۱۵) آگاهانه مسیح نخستین را مسیح علیه‌السلام (السیدالمسیح) و دومی را یشوفا ناصری خوانده است...»

با آن چه که آورده شد به راز جشن شب یلدا می‌رسیم که جشن شب یلدا جشن زایش مهر است که پس از آن جشن زایش مسیح می‌رسید. درباره‌ی پایه‌های آیین مهر و همبستگی مهر و مسیحا نوشتارهای دیگر خواهیم داشت. نوشتار را با سروده‌ی از حافظ درباره‌ی خرابات، خورآباد، خورابه پایان می‌دهد:

خیز تا خرقه‌ی صوفی به خرابات بریم
شطح و طامات به بازار خرابات بریم
سوی رندان قلندر به ره آورد سفر
دلخ بسطامی^۴ و سجاده طامات بریم
تا همه خلوتیان جام صبحی گیرند
چنگ صبحی به در پیر مناجات بریم
با تو آن عهد که در وادی ایمن بستیم
هم‌چو موسی ارنی‌گوی به میقات بریم
خاک کوی تو به صحرای قیامت فردا
همه بر فرق سر از بهر مباحات بریم
ور نهد در ره ما خار ملامت زاهد
از گلستانش به زندان مکافات بریم
شرمان باد ز پشمینه‌ی آلوده‌ی خویش
گر بدین فضل و هنر نام کرامات بریم
قدر وقت ار نشناسد دل و کاری نکند
بس خجالت که از این حاصل اوقات بریم
فتنه می‌بارد از این سقف مقرنس برخیز
تا به میخانه پناه از همه آفات بریم
در بیابان فنا گم‌شدن آخر تا کی
ره بپرسیم مگر پی به مهمات بریم
حافظ آب رخ خود بر در هر سفله مریز
حاجت آن به که بر قاضی حاجات بریم

با آن چه گفته شد واژه‌ی «خرابات» به معنی «خرابه‌های برون‌شهر و جای فسق و فجور» نادرست و آن چه حافظ در سروده‌های خود آورده، «خرابات»، «خورابه» و «مهربانه» است، مهربانه، یادمان آیین مهر در روزگار بسیار دور در ایران. ■

پی‌نوشت‌ها

۱- شطح: واژه‌ی که بوی خودپسندی دهد. ۲- طامات: لاف و گزاف صوفیانه ۳- مهر با واژه‌ی «اوپه» به معنی گنبد می‌شود «گنبدمهر» او به در واژه‌های گرمابه - سرداب. ۴- خرقه وابسته به بایزید بسطامی.